

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

## تمسک به عام در شبهه مصداقيه

قبل از تعطیلات ماه محرم، دو بحث تمسک به عام در شبهه حکمیه و تمسک به عام در شبهه مفهومی را بیان نمودیم. بحث مهم دیگر که در فقه بسیار مورد استفاده می باشد آن است که آیا تمسک به عام در شبهه مصداقيه مخصّص جایز است یا جایز نیست؟ اگر مولا گفت: «أکرم العلماء» و بعد تخصیص زد که «لا تکرّم الفساق من العلماء» و ندانیم که زید عالم آیا عنوان فاسق را دارد یا ندارد؟ معنا و مفهوم فاسق برای ما روشن است، مثلاً می گوئیم فاسق کسی است که مرتکب کبیره شود؛ اما از نظر این که زید مرتکب کبیره شده است یا نه؟ مجمل است. در این مورد (شبهه مصداقيه) اختلاف شده که آیا تمسک به عام جایز است یا نه؟ بحث است که آیا تمسک به عام در شبهه مصداقيه جایز است یا جایز نیست؟

## تمسک به عام در مخصص متصل

در موردی که مخصص متصل است، تقریباً بین علما و بلکه تحقیقاً بین اصولیین اتفاق است که تمسک به عام در شبهه مصداقيه جایز نیست. اگر همین مثال را به صورت متصل بیان کند و بگوید «أکرم العلماء إلا الفساق» ، در مورد زید که شک داریم آیا فاسق است یا نه؟ نمی توانیم او را اکرام کنیم. برای این مطلب دو بیان که به منزله دو دلیل است، می توانیم اقامه کنیم. **بیان و دلیل اول:** مورد مشکوک از موضوع له و مدلول این قضیه خارج است. توضیحش این است که در هر قضیه ای — چه قضیه انشائی، چه قضیه خبریه، چه قضایای خارجی و چه قضیه حقیقیه — مدلول قضیه ثبوت حکم برای موضوع است. در «أکرم العلماء» مدلول قضیه آن است که اکرام نسبت به علما واجب است؛ اما این که بگوئیم زید عالم است یا نه؟ قضیه بر آن دلالتی ندارد.

حال، موضوع در قضایای خارجی، موضوع محققه الموجود است؛ موضوع در عالم خارج موجود است. می گوید علمای این بلد را اکرام کن. این که ما نمی دانیم زید جزء علمای بلد است یا نه؟ این قضیه دلالتی بر آن ندارد. این مطلب را مکرر عرض کرده ایم که در کلمات بزرگانی مثل مرحوم نائینی آمده است که هر قضیه حقیقیه ای به یک قضیه شرطیه برمی گردد. مثلاً قضیه «**لله علی الناس حجّ البیت من استطاع الیه سبیلاً**» به قضیه شرطیه «**إذا استطعت يجب علیک الحجّ**» برمی گردد. در قضایای شرطیه نیز در منطق بیان شده است که این طور نیست که حتماً شرط باید در عالم خارج موجود باشد؛ خود قضیه شرطیه دلالت بر وجود این شرط در عالم خارج ندارد. می گوید «إذا استطعت»، اما این که شخص الآن مستطیع است یا نه؟

دلالتی بر آن ندارد. پس، دلیل اول این است که مورد مشتبّه، از مدلول قضیه خارج است. بیان و دلیل دوم: این است که در مخصص متصل مکرر گفته‌ایم که ظهوری برای عام در عموم منعقد نمی‌شود. در «أكرم العلماء إلا الفساق»، اصلاً عامی نداریم و علماً از اول به غیر فساق مختص می‌شود. یعنی اکرام علمای غیر فاسق واجب است. وقتی این چنین شد، دیگر معنا ندارد که بگوییم آیا تمسک به عام جایز است یا نه؟ چون اصلاً عامی نداریم.

## تمسک به عام در مخصص منفصل

إنما الكلام و نزاع در مخصص منفصل است؛ که مولا اول می‌گوید «أكرم العلماء» و بعد با دلیل جداگانه‌ای می‌گوید: «لا تکرّم الفساق منهم». در مخصص منفصل، ظهور در عموم برای عام منعقد می‌شود؛ حال، آیا تمسک به این عام در مورد مشتبّه (شبهه مصداقیه) که نمی‌دانیم آیا زید فاسق است یا نه؟ جایز است یا جایز نیست؟ قبل از این که ادله کسانی را که می‌گویند تمسک جایز است، بررسی کنیم، لازم است به این نکته تذکر دهیم که به مشهور قدما نسبت داده شده که قائلند تمسک به عام در شبهه مصداقیه جایز است. به مرحوم سید یزدی صاحب کتاب «عروة الوثقی» نسبت داده‌اند که ایشان نیز تمسک به عام در شبهه مصداقیه را جایز می‌دانند.

البته آنها نه در اصول و نه در فقه، تصریح نکرده‌اند که تمسک به عام در شبهه مصداقیه جایز است؛ ولی بعضی از فتاوایی که مشهور دارند، فقط بر اساس این مبنا قابل قبول است. به عنوان مثال: در موردی که کسی بر مال غیر ید دارد و نمی‌دانیم که ید او ید امانی است (که در صورت تلف ضمانی وجود ندارد) یا عدوانی؟ اگر مال در دست او تلف شد، مشهور فتوا به ضمان داده‌اند. یکی از وجوهی که برای این فتوای مشهور می‌توان ذکر کرد، همین تمسک به عام در شبهه مصداقیه است. «علي الید ما أخذت حتی تؤدی» اقتضای می‌کند که انسان اگر بر مال غیر ید پیدا کرد و مال را به صاحبش برنگرداند و تلف شد، ضامن است.

فقط موردی که ید امانی باشد، استثناء شده است و ضمان وجود ندارد. حال، فرض کنید که کسی بر مال غیر ید پیدا کرده و صاحب مال نیز مرده است، و مال نیز در دستش تلف شده است، در اینجا ورثه‌اش می‌خواهند ببینند تکلیف چیست؟ نمی‌دانند که ید او ید امانی بوده است یا ید عدوانی؟ در اینجا مشهور فتوای به ضمان داده‌اند؛ در حالی که شبهه، شبهه مصداقیه است. ایشان به «علي الید ما أخذت...» تمسک نموده و ضمان را از آن استفاده کرده‌اند. البته در اینجا دو راه دیگر نیز برای مستند این فتوا ذکر نموده‌اند؛ یک راهش قاعده مقتضی و مانع است. قاعده مقتضی و مانع عبارت است از آن که می‌گوییم مقتضی ضمان در اینجا موجود است که همان ید می‌باشد. مانع از ضمان نیز این است که ید، ید امانی باشد. اینجا شک می‌کنیم که مانع وجود دارد یا نه؟ اصل عدم المانع است. راه سومی که وجود دارد آن است که موضوع ضمان یک موضوع مرکب است.

یک جزء آن «الاستیلاء علی مال الغير» است و جزء دوم نیز «من دون رضاه» است. جزء اول بالوجدان محرز است؛ جزء دوم را نیز با استصحاب عدم ازلی درست می‌کنیم. می‌گوییم زمانی وجود داشت که مالک راضی نبود مالش در دست این فرد باشد، هم‌اکنون که مال در دست اوست شک می‌کنیم مالک راضی است یا نه؟ عدم رضایت را استصحاب می‌کنیم. این نکته را نیز عرض کنم که در کتاب «رسائل»، مرحوم شیخ به قدما نسبت می‌دهد که اصل مثبت را حجت می‌دانند؛ در حالی که در کلمات قدما اسم و اثری از این تعبیر وجود ندارد. مرحوم شیخ از راه فتاوایی که قدما دارند، استفاده می‌کنند که قدما اصل مثبت را حجت می‌دانند. در اینجا نیز همین طور است.

## کلام مرحوم سید یزدی

مرحوم سید در بحث لباس مصلّی، دو فرع مطرح می‌کنند که یک فرعی عبارت است از این که: «اذا علم کون الدّم أقل من الدرهم وشکّ فی أنّه من المستثنیات أم لا؟ یبني علی العفو»؛ اگر نمازگزار بداند خونی که روی لباسش موجود است کمتر از یک درهم است، اما شک داشته باشد که این خون از مستثنیات است یا نه؟ — یعنی در لباس نمازگزار اگر خون کمتر از یک درهم باشد، معفو است إلا دم حیض، و مشهور دم نفاس و دم استحاضه را نیز به آن ملحق کرده‌اند؛ در نتیجه اگر از دماء ثلاثه یک سر سوزن هم روی لباس نمازگزار باشد، نمازش باطل است. — سید در اینجا می‌فرماید که بنا را بر عفو بگذارد. یعنی ایشان در شبهه مصداقیه تمسک به عام کردند. در فرع بعد فرموده‌اند: «وأما اذا شکّ فی أنّه بقدر الدرهم أو أقل فالأحوط عدم العفو»، اگر شک کند که خونی موجود در لباس، به اندازه درهم است یا اقل از آن؟ بنابر احتیاط باید بنا را بر عدم عفو بگذارد.

در این فرع، عام عبارت از این است که باید لباس مصلّی از هر نوع دمی پاک باشد. خاص هم عبارت است از خون کمتر از یک درهم. پس، در اینجا نیز که شک دارد خون موجود کمتر از یک درهم است یا نه؟ مرحوم سید به عام تمسک می‌کنند و می‌فرمایند: احتیاط آن است که این دم معفو نیست و بنا را بر عدم عفو بگذارد. بنابراین، در مواردی مبنای فتوای مرحوم سید تمسک به عام در شبهه مصداقیه است. برخی از بزرگان مثل مرحوم آقای خوئی قدس سره در جلد پنجم کتاب «محاضرات» صفحه 183 از این دو فرع جواب داده‌اند. بعد یک فرعی از کتاب النکاح عروه ذکر می‌کنند و می‌فرمایند: این مورد شاهد بر مدعای ماست که مرحوم سید تمسک به عام در شبهه مصداقیه را جایز نمی‌دانند. این مطلب مرحوم آقای خوئی را ببینید تا فردا؛ إن شاء الله. والسلام.